

# بررسی رویکرد های ایگناس گلدزیهر پیرامون روایت سبعة احرف

مصطفی احمدی فر<sup>۱</sup>

• چکیده :

یکی از مهمترین مباحث تاریخ قرآن، موضوع روایت سبعة احرف است که در این باره دیدگاههای گوناگونی از ناحیه ی دانشمندان اسلامی سامان یافته و خاور شناسان نیز دیدگاههایی را مطرح کرده اند.

ایگناس گلدزیهر (م ۱۹۲۱م)، خاورشناس مجارستانی در بخشی از کتاب گرایشهای تفسیری در میان مسلمانان، دیدگاههایش را پیرامون روایت سبعة احرف آورده است. که در این نوشتار به بررسی و نقد آنها پرداخته شده است.

از جمله مباحث یاد شده در این باره می توان از: روایت سبعة احرف واضطراب نص در زمان پیامبر، رابطه اختلاف قراءات با روایت سبعة احرف، پراکندگی و پندار گرایی گلدزیهر و شباهت روایت سبعة احرف به رای تلمود، نام برد.

• کلید واژگان: قرآن، تاریخ قرآن، روایت سبعة احرف، خاورشناسان،

ایگناس گلدزیهر

• مقدمه :

قرآن کریم، به عنوان اساسی ترین و مهمترین کتاب مسلمانان قلمداد می شود و توجه بسیاری از مستشرقین را به خود جلب کرده است.

هرچند دایره تحقیقات مستشرقان، شامل تمامی علوم و فنون و آداب و رسوم ملل شرق می شود، اما قرآن به عنوان اساسی ترین و مهمترین نصوص اسلام که یکی از بزرگترین سنتهای شرقی است، بیشترین دامنه تحقیقات را به خود تعلق داده است. خاور شناسان، پژوهشهای مختلفی را در این زمینه به جهانیان عرضه کرده اند که البته این پژوهشها و تحقیقات با انگیزه های متفاوتی از قبیل انگیزه های تبشیری، استعماری، علمی و... است.

گلد زیهر در دشمنی با اسلام شهره است و در یکی از آثارش که به زبان عربی با عنوان العقیده و الشریعة فی الاسلام ترجمه شده، درباره اسلام نظریاتی مغرضانه و دور از واقعیت مطرح کرده است که در بخش معرفی آثار علمی بدان اشاره گردیده است.

یکی از مهمترین زمینه های پژوهش مستشرقان، بررسی تاریخ قرآن بوده است و در این موضوع کتابهای فراوانی نگاشته شده است. گلد زیهر از کسانی است که به یکی از بحثهای تاریخ قرآن به نام " روایت سبعة احرف " ( نزول قرآن بر هفت حرف )، دامن زده و نظریاتی چند در این رابطه مطرح نموده است که در این مقاله سعی شده است به بررسی و نقد نظریات وی پرداخته شود.

۱۰- کلیات:

۱۰-۱ معانی روایت سبعة احرف از دیدگاه دانشمندان فریقین و نقد و بررسی آنها:

کثرت و تعارض نظریات در معانی سبعة احرف، امر تحقیق را برای پژوهشگران دشوار ساخته است. علت این کثرت و تشتت آراء، روایات متعدد در معانی "سبعة احرف"

می باشد<sup>۱</sup>. زیرا که هر دسته از روایات معنای خاصی را جلوه گری می نماید. بعد از فحص و کنکاش در روایات مختلف این باب، به بررسی و نقد عمده ترین دیدگاهها می پردازیم:

• الف) برخی مراد از سبعة احرف را هفت وجه از الفاظ مترادف برشمرده اند.<sup>۲</sup>

واستدلال آنان به روایاتی است که مفاد آنها جواز قرائت قرآن به الفاظ مختلف قریب المعنی است.<sup>۳</sup> ولی با بررسی و پژوهش در این باره می توان گفت که افزون بر اطلاق این روایات، پذیرفتن این نظریه، ما را مستلزم به تحریف قرآن می نماید، در حالیکه این کتاب آسمانی از آغاز تا کنون از تحریف مصون مانده است و قرآن فعلی بدون کاستی و زیادتی، همان قرآنی است که بر پیامبر اکرم (ص) نازل شده است، چرا که حافظ و پیاسدار قرآن، همان خداوند قادر و توانا است: (انا نحن نزلنا الذکر وانا له لحافظون) ما قرآن را نازل کردیم و خود نگهدار آن خواهیم بود.<sup>۴</sup>

گذشته از آن، گواهی تاریخ، وجود کاتبان وحی، دعوت همه پیشوایان اسلام به قرآن موجود و خاتمیت از ادله

عدم تحریف قرآن هستند و غالب دانشمندان فریقین با قاطعیت تمام، تحریف قرآن را رد کردند و معتقدند که قرآن کریم به هیچ وجه تحریف نشده و نخواهد شد.<sup>۵</sup>

ثانیا: این نظریه، با برخی روایات پیامبر اکرم (ص)، دال بر مخالفت حضرت با اختلاف اصحاب در قرائت، تعارض دارد.<sup>۶</sup>

ثالثا: با پذیرفتن این نظریه، در فصاحت و بلاغت قرآن کریم خلل وارد می شود، زیرا که اگر تغییرات در کلمات قرآن مجاز باشد، قرآن قابل تحدی خواهد شد و قرآن کریم عاری از اعجاز می شود.

• (ب) گروه دیگری از اندیشمندان اسلامی، مراد از نزول قرآن بر هفت حرف را، نزول قرآن به لهجه های فصیح قریش، هذیل، تمیم، ازد، ربیع، هوازن و سعد بن بکر می دانند و آن را این گونه لحاظ می نمایند.<sup>۷</sup>

در نقد این نظریه افزون بر پاسخهای پیشین، می توان به تعارض و مخالفت با روایت پیامبر اکرم (ص) که نزول قرآن را به خصوص لسان قریش می دانستند، اشاره نمود.<sup>۸</sup>

• (ج) برخی معتقدند که روایت سبعة احرف به بطون و تاویلات اشاره دارد.<sup>۹</sup> در حالیکه قائلین این نظریه به روایاتی تمسک جستند<sup>۱۰</sup> که حمل آنها بر روایت سبعة احرف امکان پذیر نیست و برخی از این روایات بر اختلاف قرائت و تنوع بیانات قرآنی، دلالت دارد.

• (د) عده ای از دانشمندان اسلامی به علت کثرت و دشوار بودن معانی سبعة احرف، متوقف شده اند. و روایات این باب را دور افکنده اند.<sup>۱۱</sup>

ولی تعدد معانی سبعة احرف باعث دور افکندن روایات نمی شود. زیرا با توجه به قرائن و شواهد گوناگون می توان به معانی مقصود دست یافت.

• ۱-۲ نظر نگارنده در معنای روایت سبعة احرف :

با توجه به دسته بندیهای مختلف روایات سبعة احرف و معانی متعددی که از این روایات برداشت می شود، می توان گفت که روایات سبعة احرف ناظر به یک موضوع نیست بلکه در موضوعات مختلفی، معنا و مفهوم دارد بدین سان تعارضی که برخی مدعی آن شده اند، در بین آنها متصور نیست و دقت در مفاد آنها اجمال را رفع می نماید.

در نتیجه با دقت و تامل در موضوعات مختلف، معنای خاصی به دست می آید و بدین سان دیگر اجمالی نخواهد بود.

۱۰- بحث سندی روایت سبعه احرف :

علمای اهل سنت مدعی تواتر معنوی<sup>۱۲</sup> روایت سبعه احرف در جوامع حدیثی خود شده اند، چون معتقدند بیست و یک صحابی این حدیث را از پیامبر(ص) نقل کرده اند<sup>۱۳</sup> در حالیکه علمای شیعه نه تنها این حدیث را متواتر نمی دانند بلکه حتی در رتبه استفاضه<sup>۱۴</sup> قرار نداده اند و حتی برخی در اصل صدور آن از پیامبر اکرم(ص)، قائل به نفی و تردید گشته اند.<sup>۱۵</sup> مهمترین و گویاترین روایت نبوی در مورد روایت سبعه احرف در کتب اهل سنت با تعبیر " نزول قرآن به هفت حرف " <sup>۱۶</sup> و " قرائت بر هفت حرف " <sup>۱۷</sup> ذکر شده است. در مقابل از جمله دانشمندان و محققان گذشته و متاخر شیعه که قائل به خبر واحد بودن این روایت نموده اند می توان کسان زیر را نام برد:

شیخ طوسی(م ۴۶۰) <sup>۱۸</sup> طبرسی(م ۵۴۸)، محمد باقر

مجلسی(م ۱۱۱۱) <sup>۲۰</sup> محقق

بحرانی(م ۱۱۲۱) <sup>۲۱</sup> شیخ محمد حسن نجفی(م ۱۲۶۶) <sup>۲۲</sup> محدث

نوری(۱۳۲۰ق) <sup>۲۳</sup>، شیخ محمد جواد

بلاغی(م ۱۳۵۲ق) <sup>۲۴</sup>، میرزا ابوالحسن

شعرانی(م ۱۳۵۲ش) <sup>۲۵</sup> آیه الله خوئی(م

۱۴۱۳) <sup>۲۶</sup> و بسیاری از محققان که

شمارش نام یک یک آنان میسر

نیست.

۱۰\* جستاری بررندگانی و شخصیت

علی گلدز بهر(م ۱۹۳۱م):

۱۰\* شخصیت شناسی گلدز بهر:

" ایگندس گلدز بهر " <sup>۲۷</sup> خاور شناس

نامدار اتریشی در سال ۱۸۵۰ میلادی

در شهر استولونیسبورگ زاده شد.

خانواده ی وی یهودی بودند .

او تحصیلات خود را در پایتخت

مجارستان و تحصیلات دانشگاهی را

در لایپ زیگ گذراند. رشته ی

تحصیلی او در دانشگاه " مطالعات

مشرقی شناسی " بود.

گلدز بهر، در سال ۱۸۷۰ رساله دکتری

خود را زیر نظر فلاشیر به پایان رسانید.

موضوع رساله ی وی " پژوهش درباره

" ننخوم اورشلمی " بود که از مفسران

یهودی تورات در قرون وسطی به

شمار می رفت.



گلدزیهریس از دریافت درجه ی دکترا به بودا پست بازگشت و در سال ۱۸۷۲ به سمت دانشیار دانشگاه آن شهر برگزیده شد. او پس از یک سال دروین ولیدن به شرق رو کرد. ابتدا به سوریه و سپس به فلسطین و مصر رفت و در سوریه با شیخ طاهر جزائری عضو مجمع ملی دمشق و مدیر کتابخانه ظاهریه طرح دوستی ریخت و از او بهره ها برد. در مصر گاهی به دانشگاه الازهر رفت و آمد می کرد و از درس های استادان و علمای مصر بهره مند می شد. پس از یک سال و نیم اقامت در مشرق اسلامی (سپتامبر ۱۸۷۳ تا آوریل سال بعد) به مجارستان بازگشت و به فعالیتهای علمی و تدریس در دانشگاهها پرداخت. وی سرانجام در سال ۱۹۲۱ میلادی درگذشت.

۲۰-۲ روش علمی گلدزیهر:

این خاور شناس یهودی در تطبیق و مطالعه ی متون از خاورشناسان سرآمد به شمار می رفت ولی متأسفانه پژوهشهای خویش را با فرضیه سازی و خیال سازی قرین ساخته و از مخالفت با اسلام خودداری نورزیده است.<sup>۲۸</sup> گلدزیهر از لحاظ شخصیت علمی، شخصیتی برجسته بود و مورد تمجید

و ستایش برخی از دانشمندان قرار گرفته است<sup>۲۹</sup> وی از نویسندگان مقالات و دایره المعارف اسلامی بود و این امر بر شهرت علمی او افزوده است.

وی زندگی آرام علمی ولی همواره با تلاش و حرکتی وافر داشت.<sup>۳۰</sup> عبد الرحمان بدوی، شیوه او را چنین ارزیابی می نماید:

(( شیوه او، شیوه معتدلی بود که به وسیله آن توانست از دو خطر دوری کند: ۱- خطر محدود نگری و سطحی نگری در روش علمی به معنای دقیق آن و خط افراط در زیاده گویی و تفسیرهای دور از واقعیت ذهنی در شیوه های وجدانی و استدلالی.

۲- تکیه گلد زیهر بر یافته های درونی و بینش عقلانی این بود که وی در مقارنات، چیرگی برجسته ای را نشان می داد. او در شناخت تمایزات در ریزه کاریهای مذاهب در مقایسه با یکدیگر تیز بین بود و این در زمینه شخصی از زمینه های تمدن معنوی بود. همچنین در شناخت تشابهات و ارتباطات بین ادیان و مذاهب یک دین و یا مسائلی که از یک دین و یا مذهب در دیگری وجود دارد، تیز بینی و دقت بسیاری داشت)).<sup>۳۱</sup>

ولکن داوری عبد الرحمان بدوی خالی از اشکال نیست. چونان که در ادامه بدان اشاره می گردد در برخی از کتابهای گلد زیهر، افراطی گری هایی مشاهده می شود به عنوان مثال در کتاب "گرایشهای تفسیری در میان مسلمانان"، در فصل ششم به شیعیان و تفاسیر آنها می تازد و در ادامه شیعه را متهم به تحریف می کند.<sup>۳۲</sup>

۲۰-۳ آثار علمی گلد زیهر:

وی از سال ۱۸۸۶ هـ ساله تحقیق و سلسله بحثهایی را عرضه می نمود برخی از اینها کتابهای قطوری بودند که حجم هر مجلد از آنها از چهارصد صفحه تجاوز می کرد و برخی مقالات با حجم متوسط بین بیست تا شصت صفحه بود. از وی تعلیقات و نقدهایی بر کتابهای منتشر شده نیز بجای مانده است. آن گونه که این فهرست تالیفات او برمی آید، مجموعه تحقیقاتش شامل ۵۹۲ فقره می شود.<sup>۳۳</sup>

آثار بجای مانده از گلد زیهر عبارتند از:  
• گرایشهای تفسیری در میان مسلمانان:<sup>۳۴</sup>

این کتاب مهمترین و مشهورترین اثر گلد زیهر است و نظریات مورد بحث در

این کتاب بحث شده لذا به تفصیل به معرفی این کتاب می پردازیم. این کتاب را دکتر عبدالحکیم نجار، نویسنده مصری به عربی ترجمه نموده و حواشی مفیدی را بر آن نگاشته است و توسط ناصر طباطبایی به فارسی برگردانده شده است. این کتاب در میان دیگر آثار گلد زیهر، مشهورتر است و کانون توجه و نقد دیگران قرار گرفته است. این کتاب با وجود غنای علمی به ویژه در باب تفسیر نگاری شیعه خالی از نقص و حق پوشی نیست.

این کتاب دارای شش فصل می باشد:

• فصل اول: اختصاص به دوره نخستین تفسیر دارد. وی می افزاید: در این دوره هنوز متن واحد مورد اتفاقی از خود قرآن وجود ندارد و مصحفهای مختلف و متفاوتی در دست صحابه و تابعین وجود دارد و همچنین در دوره نخستین اسلامی، هیچ گاه این میل و خواسته به وجود نیامد که قرآن را با نص و متن واحدی مورد پیروی قرار دهند.<sup>۳۵</sup>

گلدزبهر نشانه اختلاف میان مصحفها وقرائات قرآنی را در چند امر می داند:

الف- فقدان نقطه و اعراب در خط عربی ب- اضافات صحابه در مصحفهایشان برای زدودن ابهام ج- وجود شخص رسول خدا، باعث به وجود آمدن این موضوع بوده است. زیرا در حضور حضرت قرآن به صورتهای مختلفی تلاوت می شد د- پاسداشت قواعد عربیت<sup>۳۶</sup>

گلدزبهر از مجموعه این مسائل نتیجه می گیرد که هیچ شاهی دال بر این که قرآن بر نص واقعی خودمانده است، در دست نیست<sup>۳۷</sup>

• فصل دوم: اختصاص به "تفسیرروایی" دارد.

• فصل سوم: این فصل "تفسیر در پرتو عقیده" نام دارد که بیشتر اختصاص به آراء معتزله و اهل رای و تاثیر گذاری آنان و مخالفت اهل حدیث و اشاعره با این دسته دارد.<sup>۴۰</sup>

وی در ادامه، تفسیر کشف زمخشری را نمونه ای از یک تفسیر معتزلی می داند<sup>۴۱</sup>

• فصل چهارم: این فصل به تفسیر در پرتو تصوف اسلامی تعلق دارد. وی تصوف را در ابتدای تکوین اش زهد بسیطی توصیف می نماید که بعد ها در انگاره "وحدت وجود" به اوج تکامل می رسد. او عرفان را رویکردی می داند که بیشتر رنگ مایه ی نو افلاطونی دارد.<sup>۴۲</sup>

• فصل پنجم: اختصاص به موضوع "تفسیر در پرتو فرقه های دینی" دارد. گلدزبهر در این فصل می کوشد تا نشان دهد شیعیان کوشیده اند تا بسیاری از آیات ذمی قرآن را بر دشمنان اهل بیت و آیات مدحی را بر اهل بیت حمل کنند. او همچنین به اقلیت شیعه که مصحف عثمانی را مصحفی تحریف شده می دانند، اشاره ی مفصلی دارد.<sup>۴۳</sup>

وی در این فصل پس از بررسی اوضاع حدیث تا قرن دوم هجری به اصطلاحات و آراء برخی از مفسرین اولیه، خصوصا ابن عباس می پردازد. و اندیشه های علمی ابن عباس را برخواسته از اندیشه های یهود می داند.<sup>۳۸</sup>

در ادامه نویسنده بیشتر به طبری و تفسیر او می پردازد و معتقد است که طبری در آراء تفسیری خود میل به "اندیشه های اعتزالی" دارد.<sup>۳۹</sup>



• فصل ششم : فصل پایانی کتاب، "تفسیر درپرئو تمدن اسلامی " نام دارد. وی در این فصل در مقام مقایسه ی جنبه های دینی و فلسفی اسلام با روزگار جدید و هماهنگی آنها، می باشد.<sup>۴۴</sup>

• سخنرانی هایی درباره اسلام: این کتاب در واقع مجموع چند سخنرانی علمی مؤلف درباره ی اسلام است که آنها را با عنوان سخنرانی هایی در باره ی اسلام گرد آورده و در قالب کتابی مستقل منتشر نموده است این کتاب نخست در سال ۱۹۱۰ در شهر هیدلبرک منتشر گردید و در اروپا به انگلیسی ترجمه و در سال ۱۹۸۱ به چاپ رسید و در شرق اسلامی نیز کانون توجه قرار گرفت. ابتدا سه تن از مترجمان مصری، یعنی دکتر محمد یوسف موسی ، استاد عبد العزیز عبدالحق و دکتر علی حسن عبدالقادر آن را با عنوان "العقیده والشریعه فی الاسلام " به زبان عربی برگرداندند و در ذیل برخی صفحات، تعلیقات کوتاهی آوردند و رای مؤلف را مورد نقد و بررسی قرار دادند سپس علینقی منزوی کتاب یاد شده را از عربی به فارسی ترجمه نمود و این اثر با عنوان

"درسهایی از اسلام" انتشار یافت. مترجم، پاورقیهای مترجمان مصری را حذف و تعلیقاتی از خود بر کتاب افزوده است.<sup>۴۵</sup>

ظاهریه، مذهب و تاریخشان: این پژوهش که در سال ۱۸۸۴ میلادی ارائه گردید، پیش درآمدی بر فقه می باشد. وی در این کتاب به مطالعات گسترده و مفصلی بخصوص در زمینه های اصول فقه و اصول مذاهب گوناگون فقهی و اجماع و اختلاف بین ائمه مذاهب و ارتباط مذهب ظاهری و نیز تفاوتهای آنها با یکدیگر، می پردازد.<sup>۴۶</sup>

• آداب الجدل عند الشیعه: به زبان آلمانی و در سال ۱۸۷۴ به چاپ رسید.<sup>۴۷</sup>

• القدریه والمعتزله: این کتاب در سال ۱۸۹۶ به چاپ رسید.<sup>۴۸</sup>

• العقائد الشیعه عند المرجئه: این کتاب در سال ۱۸۹۹ به چاپ رسید.

• تصحیح کتاب "المعمرین" ابی حاتم سجستانی: این کتاب در سال ۱۸۹۹ به چاپ رسید.

• تصحیح کتاب "فضائل المستظهریه" غزالی: این کتاب با





مقدمه ای در هشتاد و یک صفحه ای در سال ۱۹۰۶ در لیدن به چاپ رسید.  
• تصحیح بخشی از کتاب "المستظهریه من فضائح الباطنیه":  
این کتاب در سال ۱۹۰۶ در لیدن به چاپ رسید.

• مقالات و تحقیقات:  
• مقالات "التقیه فی الاسلام" و "الصحیفه الکامله السجادیه" و "الشیعه" و "الملل والنحل":

این مقالات در المجله الشرقیه الآلمانیه در سال ۱۹۰۶ به چاپ رسیدند.

• الحدیث فی الاسلام: این مقاله در سال ۱۹۰۹ در مجله الدراسات الآشوریه به چاپ رسید.

• مقالات "اخوان الصفا" و "المعتزله" و "فخرالدین رازی" و "البخاری": این مقالات به ترتیب در سالهای ۱۹۱۰-۱۹۱۸-۱۹۱۲-۱۹۱۵ در مجله الاسلام به چاپ رسیدند.

• تکریم الاولیاء فی الاسلام: این مقاله در سال ۱۹۱۱ در عالم الاسلام به چاپ رسید.<sup>۴۹</sup>

• اسلام و دین پارسی: این مقاله در اولین کنفرانس بین المللی ادیان که در سال ۱۹۰۰ در پاریس منعقد شد،

ایراد گردید و در مجلد ۴۳ مجله تاریخ ادیان به چاپ رسید. وی در این مقاله، برای اولین بار تاثیر دین بر دولت کسرایان (ایران) را در اسلام اولیه مطرح می نماید.<sup>۵۰</sup>

• موضعگیری در برابر علوم یونانی.<sup>۵۱</sup>  
دکتر عبد الرحمان بدوی ترجمه آنرا به زبان عربی در کتاب "التراث یونانی فی الحضاره الاسلامیه" آورده است وی در این مقاله می کوشد تا نشان دهد که امامان شیعه مانند بزرگان اهل سنت با منطق یونانی مخالفت داشته اند.<sup>۵۲</sup>

• درآسه عن النبی: این مقاله در سال ۱۹۱۲ در مجله آسیایی بریتانیا به چاپ رسید.<sup>۵۳</sup>

• الاجماع: این مقاله در سال ۱۹۱۶ در مجله مجمع علوم الفلسفه به چاپ رسید.

• "البدعه" و "کشمکشها حول جایگاه حدیث در اسلام": این مقالات در سال ۱۹۴۲ در مجله الدراسات العربیه به چاپ رسیدند.

• عیاده المریض: این مقاله در سال ۱۹۱۸ در مجله الدراسات الآشوریه به چاپ رسید.<sup>۵۴</sup>

\* از وی اثری در موضوع تاریخ تفسیر قرآن نیز بر جای مانده است.<sup>۵۵</sup>

\* و مجموعه آثار گلدزیهر تحت عنوان *Gesammelt Schriften* در اروپا ضمن چندین مجلد به چاپ رسیده است.<sup>۵۶</sup>

و مقالات دیگری هم از گلدزیهر بر جای مانده است به ویژه آنچه در دائرة المعارف اسلام چاپ اروپا از وی آورده اند.

۳۰- نقد و بررسی رویکردهای

گلدزیهر درباره روایت سبعة احرف:

گلدزیهر در قسمتی از کتاب " گرایشهای تفسیری در میان مسلمانان " پیرامون روایت سبعة احرف دیدگاههای گوناگونی را مطرح نموده است که در اینجا به بررسی و نقد عمده ترین دیدگاههای وی می پردازیم:

۳۰-۱ روایت سبعة احرف واضطراب

نص قرآن کریم در زمان

پیامبر اکرم (ص):

گلدزیهر در نخستین صفحات کتاب خود اشاره می نماید که قرآن کریم به جهت تعدد قرائات، نص واحدی ندارد و هیچ کتابی از جهت اضطراب نص همانند قرآن نیست. او می گوید:

((هیچ کتاب قانون گذاری یافت نمی شود که جمعی معتقد باشند که آن نص، وحی الهی و از قدیمی ترین نصوص است و حال آنکه نص آن مضطرب و نا پایدار باشد؛ آنچنانکه این اضطراب و ناپایداری در مورد قرآن یافت می شود)).<sup>۵۷</sup>

و وی در ادامه بر این مهم اشاره دارد که اضطراب نص قرآن به جهت اختلاف در قرائات و تایید آن از سوی پیامبر اکرم (ص) به استناد روایت سبعة احرف می باشد. وی معتقد است که وجود وجوه هفتگانه حروف، موجبات اختلاف قرائات را فراهم گردیده است.<sup>۵۸</sup>

وی در بخشی دیگر از کتاب گرایشهای تفسیری در میان مسلمانان چنین می گوید:

((اکنون نص واحدی برای قرآن موجود نیست.... ونصی هم که تلقی به قبول شده است، مربوط به کتابت قرآن در زمان عثمان می باشد که به اهتمام او شکل گرفت)).<sup>۵۹</sup>

نتایجی که از این گفتارها بر می آید اینست که وی بر آنست که قرآن کریم نص واحدی ندارد و در زمان رسول خدا همواره مورد هجوم

مقدمه ای در هشتاد و یک صفحه ای در سال ۱۹۰۶ در لیدن به چاپ رسید.  
• تصحیح بخشی از کتاب "المستظهریه من فضائح الباطنیه":

این کتاب در سال ۱۹۰۶ در لیدن به چاپ رسید.

• مقالات و تحقیقات:

• مقالات "التقیه فی الاسلام" و "الصحیفه الکامله السجادیه" و "الشیعه" و "الملل والنحل":

این مقالات در المجله الشرقیه الالمانیه در سال ۱۹۰۶ به چاپ رسیدند.

• الحدیث فی الاسلام: این مقاله در سال ۱۹۰۹ در مجله الدراسات الآشوریه به چاپ رسید.

• مقالات "اخوان الصفا" و "المعتزله" و "فخرالدین رازی" و "البخاری": این مقالات به ترتیب در سالهای ۱۹۱۰-

۱۹۱۸-۱۹۱۲-۱۹۱۵ در مجله الاسلام به چاپ رسیدند.

• تکریم الاولیاء فی الاسلام: این مقاله در سال ۱۹۱۱ در عالم الاسلام به چاپ رسید.<sup>۴۹</sup>

• اسلام و دین پارسی: این مقاله در اولین کنفرانس بین المللی ادیان که در سال ۱۹۰۰ در پاریس منعقد شد،

ایراد گردید و در مجلد ۴۳ مجله تاریخ ادیان به چاپ رسید. وی در این مقاله، برای اولین بار تاثیر دین بر دولت کسرایان (ایران) را در اسلام اولیه مطرح می نماید.<sup>۵۰</sup>

• موضعگیری در برابر علوم یونانی.<sup>۵۱</sup>

دکتر عبد الرحمان بدوی ترجمه آنرا به زبان عربی در کتاب "التراث الیونانی فی الحضاره الاسلامیه" آورده است وی در این مقاله می کوشد تا نشان دهد که امامان شیعه مانند بزرگان اهل سنت با منطق یونانی مخالفت داشته اند.<sup>۵۲</sup>

• درسه عن النبی: این مقاله در سال ۱۹۱۲ در مجله آسیایی بریتانیا به چاپ رسید.<sup>۵۳</sup>

• الاجماع: این مقاله در سال ۱۹۱۶ در مجله مجمع علوم الفلسفه به چاپ رسید.

• "البدعه" و "کشمکشها حول جایگاه حدیث در اسلام": این مقالات در سال ۱۹۴۲ در مجله الدراسات العربیه به چاپ رسیدند.

• عیاده المریض: این مقاله در سال ۱۹۱۸ در مجله الدراسات الآشوریه به چاپ رسید.<sup>۵۴</sup>

اشکال دیگری که بر کلام گلد زیهر وارد است اینست که وی دلیل اضطراب نص را وجود اختلاف قرائات بیان نمود در حالیکه قرائات مختلف، منجر به اختلاف در صورت و شکل می شود نه در ماده و لفظ.<sup>۶۶</sup>

گلدزیهر، پس از بیان اضطراب نص در زمان رسول خدا(ص) که آن را نتیجه ی اختلاف قرائات واحرف سبعة دانست، اینچنین عنوان نمود که عثمان، قرآن را از حالت اضطراب خارج نمود و آنرا بر نص واحدی جمع آوری کرد و از وجوه مختلف، یک وجه را برگزید و قرآن را به صورتی واحد بر همگان ارزانی داشت، درحالی که با مقداری تأمل ودقت می توان گفت که، گلدزیهر بین قرائات سبع واحرف سبع خلط نموده است، چرا که عثمان، مصاحب اصحاب را که بر قرائات مختلف بود یکسان سازی نمود و پدیدۀ توحید مصاحف را از خود بر جای گذاشت، نه اینکه از احرف سبعة یک وجه را اختیار کرده باشد.<sup>۶۷</sup>

۳۰. رابطه ی اختلاف قرائات با

روایت سبعة احرف :

با سرعت گرفتن اختلاف قرائات تا آغاز قرن چهارم، شخصی به نام ابن

مجاهد که در زمینه ی قرائات از تبحر فوق العاده ای برخوردار بود، از میان قرائات متعدد، هفت قرائت را بر اساس معیارهایی که خود اعلام کرده بود، برگزید و این قرائتهای هفت گانه به خاطر دو عامل اساسی مورد اقبال فراوان قرار گرفت و سایر قرائتها به بوته فراوانی سپرده شد : ۱- دقت وتبحر ابن مجاهد در باز شناسی قرائتها ۲- انطباق حصر قرائات از سوی ابن مجاهد در هفت قرائات با حدیث مشهور "انزل القرآن علی سبعة احرف" که در منابع حدیثی، به پیامبر(ص) نسبت داده شده است. بدین جهت برخی، به اشتباه گمان کرده اند که مقصود از سبعة احرف در این روایت همان قرائتهای هفت گانه ابن مجاهد است و برخی ابن مجاهد را که باعث چنین اشتباهی شده، مورد نکوهش قرار داده اند.

حتی برخی از صاحب نظران، حدیث سبعة احرف را به معنای توسعه رحمت الهی نسبت به بندگان ارزیابی کرده و آن را بر اختلاف لهجه ها که امری طبیعی است، حمل کرده اند و این چنین بین قرائات هفت گانه وسبعة احرف خلط نموده اند.<sup>۶۸</sup>

مسلمانان، در نقد کلام گلدزبهر می گوید :

((مؤلف، متن اولیه کتاب های ادیان گذشته را ندیده است، پس چگونه است که ادعا می کند آن کتابها همانند قرآن دارای وجوه و قرائت های گوناگون نیستند؟ با اینکه وی در جای دیگر سخن خود را نقص می کند وی در مورد تورات ادعا می کند که به زبان های گوناگون نازل شده است. آیا این همانند نزول قرآن

بر هفت حرف نیست؟ اما نصوص باقی مانده از کتاب های گذشتگان نیز دارای اختلافات گوناگونی است. حتی مؤلف آنجا که در مورد حدیث منقول از ابی الجلد سخن می گوید این پرسش را مطرح می کند که وی از کدام یک از نسخه های تورات برای تدریس استفاده می کرده است؟ در این سخن می توان به اعتراف مؤلف به وجود داشتن نسخه های گوناگون تورات پی برد. این سخن مؤلف موافق با آن چیزی است که ابن حزم در کتاب الملل والنحل و ابوالفداء در مقدمه مختصر تاریخ بشر می گویند که از سه نسخه تورات نام می برند. در مورد انجیل نیز همین موضوع صادق است

بسیاری از اندیشمندان و خاورشناسان نیز بین این دو مقوله نیز اشتباه کرده اند و گلدزبهر نیز از این اشتباه مصون نمانده است گرچه با این که وی مدعی است که هیچ رابطه ای بین حدیث سبعة احرف با قرائات مختلف نیست<sup>۶۹</sup>، ولی در مقام عمل، در جریان توحید مصاحف که توسط عثمان شکل گرفت، دچار خلط بین اختلاف قرائات با روایت سبعة احرف گردیده است.<sup>۷۰</sup>

۳۰-۳ پراکندگی و پندار گرایی

گلدزبهر و شباهت روایت سبعة احرف به رای تلمود :

ایگناس گلدزبهر در بخش اول کتاب گرایشهای تفسیری در میان مسلمانان ادعا می کند که کتابهای ادیان گذشته همانند قرآن دارای وجوه و قرائت گوناگون نیستند.<sup>۷۱</sup>

ولی در جای دیگر سخن خود را نقص می کند و روایت سبعة احرف را شبیه به رای تلمود در مورد فرو فرستادن تورات می داند و ادعا می کند که تورات به زبان های گوناگون نازل و وجوه متعددی در آن دیده می شود.<sup>۷۲</sup> دکتر عبد الحکیم نجار، مترجم کتاب گرایشهای تفسیری در میان



زیرا بنا بر روایت‌هایی که از حواریون شده است میان انجیل‌های گوناگون اختلافات فراوان یافت می‌شود.<sup>۷۳</sup> همانطور که از کلام عبد الحلیم نجار آشکار شد، گلد زیهر در تحقیقات مباحث اسلامی غالباً به پراکندگی و پندار گرایی روی می‌آورد.<sup>۷۴</sup>

علاوه بر آن برخلاف کلام گلد زیهر، قرآن کریم دارای وجوه واضطراب نص نیست و واحد بودن نص قرآن کریم بر همگان آشکار است.<sup>۷۵</sup>

• پی نوشت :

۱. محمد بن اسماعیل بخاری، صحیح البخاری، دارالفکر، بیروت، (بی تا)، ج ۶، ص ۲۲۸ و ج ۷، ص ۴۶۶ / محمد بن المسلم، صحیح المسلم، دار الاحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۳۷۴ ق، ج ۲، ص ۲۰۲ و ج ۲، ص ۲۳۳، ح ۱۳۵۷ و ج ۱، ص ۵۶۲ / ابوجعفر محمد بن جریر طبری، جامع البیان عن تائیل آی القرآن (تفسیر طبری)، دارالفکر، بیروت، ۱۴۰۸ ق، ج ۱، ص ۳۵، ح ۷-۸ و ج ۱، ص ۳۹، ح ۲۸ و ج ۱، ص ۴۲، ح ۴۵ و ج ۱، ص ۳۸، ح ۲۴ / محمد بن عیسی ترمذی، سنن ترمذی، دارالاحیاء السنه النبویه، بیروت، (بی تا)، ج ۵، ص ۱۹۴ / سلیمان بن اشعث ابو داوود، سنن ابی داوود، دارالاحیاء السنه النبویه، بیروت، (بی تا)، ج ۲، ص ۱۰۲، ص ۱۲۶۲.
۲. ابوعبدالله زنجانی، تاریخ قرآن، سازمان تبلیغات اسلامی، تهران، ۱۴۰۴ ق، ص ۴۵.
۳. شهاب الدین احمد بن محمد قسطنی، ارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، دار الفکر، بیروت، ۱۴۲۱ ق، ج ۷، ص ۴۵۲.
۴. حجر، ۹.
۵. رک: محمد هادی معرفت، صیانه القرآن من التحریف، قم، دار القرآن الکریم، چاپ اول، ۱۴۱۰ ق، ص ۱۲۵ - ۱۵۶.
۶. مرکز الثقافه و المعارف القرآنیه، علوم القرآن عند المفسرین، مطبعه مکتب الاعلام الاسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۴ ق، ج ۲، ص ۱۳۰ و ۱۷۶ / رک: در همین نوشتار، در ذیل عنوان روایت سبعه احرف و اضطراب نص در زمان پیامبر اکرم (ص) .
۷. احمد مختار عمر - عبد العال سالم مکرم، معجم القرائات القرآنیه، انتشارات اسوه، ایران، ۱۴۱۲ ق، ج ۱، ص ۷۰.
۸. محمد بن اسماعیل بخاری، صحیح البخاری، باب ۳۹، ص ۳۱۸ / احمد مختار عمر - عبد العال سالم مکرم، معجم القرائات القرآنیه، ج ۱، ص ۷۰.
۹. محسن فیض کاشانی، الصافی، چاپ سوم، مکتبه الصدر، تهران، (بی تا)، ج ۱، ص ۵۹.
۱۰. ابوجعفر محمد بن جریر طبری، جامع البیان عن تائیل آی القرآن (تفسیر طبری)، ج ۱، ص ۱۲.
۱۱. شهاب الدین احمد بن محمد قسطنی، ارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، ج ۷، ص ۴۵۲ / ابوالقاسم خونی، البیان فی تفسیر القرآن، چاپخانه فروردین، الطبعة الثامنه، انوار الهدی، ۱۴۰۱ ق، ص ۱۹۳.
۱۲. حدیث متواتر، دارای دو قسم لفظی و معنوی است: الف) متواتر لفظی: خبری است که همه ناقلان، مضمون آنرا یکسان و با الفاظ واحدی ذکر می‌کنند. ب) متواتر معنوی: خبری است که همه ناقلان، مضمون واحدی را با عبارات مختلف نقل می‌کنند و تطابق در معنی یا به دلالت تضمینی و یا به دلالت التزامی است (صیحی صالح، علوم الحدیث و مصطلحه، انتشارات مکتب الحیدریه، قم، ۱۴۱۷ ق، ص ۱۴۸-۱۵۰).
۱۳. جلال الدین عبد الرحمان سیوطی، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات الشریف، رضی، (بی تا)، ج ۱، ص ۷۸.
۱۴. حدیث مستفیض به حدیثی گویند که راویان در سند هر خبری، به مرز تواتر نرسیده، ولی در هر طبقه بیشتر از سه نفر باشند عبد الله مامقانی، مقیاس الهدایه، مؤسسه آل البیت لاحیاء التراث، قم، ۱۳۱۱ ق، ج ۱، ص ۱۲۸ / محمد بهاء الدین عاملی، الوجیزه فی علم الدرایه، منشورات المکتبه الاسلامیه الکبری، قم، ۱۳۹۶ ق، ص ۴.
۱۵. ابوالقاسم خونی، البیان فی تفسیر القرآن، چاپخانه فروردین، الطبعة الثامنه، انوار الهدی، ۱۴۰۱ ق، ص ۱۹۳.

۱۶. محمد بن اسماعیل بخاری، صحیح البخاری، پیشین، ج ۶، ص ۲۲۸ / محمد بن المسلم، صحیح المسلم، پیشین، ج ۲، ص ۱۲۰۲ / محمد بن عیسیٰ ترمذی، سنن ترمذی، پیشین، ج ۵، ص ۱۹۴ / ابو جعفر محمد بن جریر طبری، جامع البیان عن تاولیل آی القرآن (تفسیر طبری)، پیشین، ج ۱، ص ۳۵-۷ و ۸-۱، ص ۳۹-۲۸ و ۱، ص ۴۲، ص ۴۵ و ۱، ص ۳۸، ج ۲۴.
۱۷. محمد بن اسماعیل بخاری، صحیح البخاری، پیشین، ج ۷، ص ۴۶ / محمد بن المسلم، صحیح المسلم، پیشین، ج ۲، ص ۱۲۳۳، ج ۱۳۵۷ و ۱، ص ۵۶۲ / سلیمان بن اشعث ابو داوود، سنن ابی داوود، پیشین، ج ۱۰۲، ص ۱۲۶۲.
۱۸. همان.
۱۹. فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، دار المعرفه، بیروت، ۱۴۰۸، ص ۳۸.
۲۰. محمد باقر مجلسی، بحار الانوار الجامعه لدرراخبار الائمه الاطهار، مؤسسه الوفاء، بیروت، ۱۴۰۳، ج ۸۲، ص ۶۵.
۲۱. یوسف بحرانی، الحدائق الناضره فی احکام العتره الطاهره، دار الفواء، بیروت، ۱۴۰۵، ج ۸، ص ۹۹.
۲۲. محمد حسن نجفی، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۹۸۱، ج ۹، ص ۲۹۴.
۲۳. حسین بن محمد تقی نوری، فصل الخطاب فی تحریف کتاب رب الارباب، نسخه خطی مرکز فرهنگ و معارف، قم، (بی تا)، ص ۱۸۶-۱۹۱.
۲۴. محمد جواد بلاغی، آلاء الرحمان فی تفسیر القرآن، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، (بی تا)، ص ۳۱.
۲۵. ر. ک: فتح الله کاشانی، منهج الصادقین، تصحیح و باور فی میرزا ابوالحسن شعرانی، تهران، کتابفروشی اسلامی، ۱۳۴۰، ص ۱۳.
۲۶. ابوالقاسم خونی، البیان فی تفسیر القرآن، پیشین، ص ۲۱۱.
- Goldziher.
- Ignaz. ۲۷
۲۸. مصطفیٰ حسینی طباطبایی، نقد آثار خاور شناسان، تهران، انتشارات چاپخش، ۱۳۷۵، صص ۹۹-۱۰۰ / عبد الرحمان بدوی، فرهنگ کامل خاور شناسان، ترجمه شکر الله خاگرد، چاپ اول، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۵، صص ۳۲۸-۳۳۶.
۲۹. ر. ک: عبد الرحمان بدوی، فرهنگ کامل خاور شناسان، ترجمه شکر الله خاگرد پیشین، ص ۲۲۸.
۳۰. همان.
۳۱. همان، ص ۳۲۲.
۳۲. ر. ک: ایگناس گلدزیهر، گرایشهای تفسیری در میان مسلمانان، ترجمه ناصر طباطبایی، نشر ققنوس، تهران، ۱۳۸۳، ص ۲۴۹.
۳۳. عبد الرحمان بدوی، فرهنگ کامل خاور شناسان، ترجمه شکر الله خاگرد، پیشین، ص ۳۲۲.
- Die Richtungen der Islamischen Koranauslegung. ۳۴
۳۵. ایگناس گلدزیهر، گرایشهای تفسیری در میان مسلمانان، ترجمه ناصر طباطبایی، پیشین، ص ۳۰.
۳۶. ایگناس گلدزیهر، گرایشهای تفسیری در میان مسلمانان، ترجمه ناصر طباطبایی، پیشین، ص ۶۱-۶۹.
۳۷. همان، ص ۶۷.
۳۸. همان، ص ۶۸.
۳۹. همان، ص ۱۰۶.
۴۰. همان، ص ۱۲۰.
۴۱. همان، ص ۱۲۵.
۴۲. ایگناس گلدزیهر، گرایشهای تفسیری در میان مسلمانان، ترجمه ناصر طباطبایی، پیشین، ص ۴۱، ص ۴۳.
۴۳. همان، ص ۱۴۲.
۴۴. همان، ص ۲۸۹.
۴۵. عبد الرحمان بدوی، فرهنگ کامل خاور شناسان، ترجمه شکر الله خاگرد، پیشین، ص ۳۳۴.
۴۶. همان، ص ۳۳۲.
۴۷. نجیب الفقیقی، المستشرقون، قاهره، دارالمعارف، ۱۹۶۵، ص ۴۱.
۴۸. همان، ص ۴۲.



۴۹. نجیب العقیقی، المستشرقون، پیشین، ص ۴۱.
۵۰. عبد الرحمان بدوی، فرهنگ کامل خاور شناسان، ترجمه شکر الله خاگرد، پیشین، ص ۳۳۲.
۵۱. مصطفی حسینی طباطبایی، نقد آثار خاور شناسان، پیشین، ص ۱۰۲.
۵۲. ر.ک: عبد الرحمان بدوی، فرهنگ کامل خاور شناسان، ترجمه شکر الله خاگرد، پیشین، ص ۳۳۲.
۵۳. نجیب العقیقی، المستشرقون، پیشین، ص ۴۲.
۵۴. همان.
۵۵. عبد الرحمان بدوی، فرهنگ کامل خاور شناسان، ترجمه شکر الله خاگرد، پیشین، ص ۳۳۵.
۵۶. مصطفی حسینی طباطبایی، نقد آثار خاور شناسان، پیشین، ص ۱۰۲.
۵۷. ایگناس گلدزیهر، گرایشهای تفسیری در میان مسلمانان، ترجمه ناصر طباطبایی، پیشین، ص ۲۹.
۵۸. ایگناس گلدزیهر، گرایشهای تفسیری در میان مسلمانان، ترجمه ناصر طباطبایی، پیشین، صص ۶۰-۶۱.
۵۹. همان، ص ۳۰.
۶۰. ر.ک: همان، ص ۳۰.
۶۱. شیخ عبدالفتاح عبد الغنی قاضی، القراءات فی نظر المستشرقین و الملحدین، مکتبه الدار، مدینه ابی تا، ص ۱۱-۱۲.
۶۲. محمد بن بهادر عبدالله زرکشی، البرهان فی علوم القرآن، تحقیق عبد الرحمان مرعشلی، حدی ذهبی و ابراهیم عبدالله کردی، بیروت دارالمعرفه، ۱۴۱۰ق/۱۹۹۰م، ج ۱، ص ۴۶۲/ احمد بن علی ابن حجر العسقلانی، فتح الباری بشرح صحیح البخاری، قاهره، المطبعه السلفیه، ۱۳۸۰ق، ج ۹، ص ۴۹/ جعفر مرتضی عاملی، حقائق هامه حول القرآن الکریم، قم، مؤسسه البخاری، قاهره، المطبعه السلفیه، ۱۳۸۰ق، ج ۹، ص ۴۹/ جعفر مرتضی عاملی، تصحیح و تحقیقعلی اکبر غفاری، بیروت، دار النشر الاسلامی، ۱۴۱۰ق، ص ۸۲/ محمد بن یعقوب کلینی، الاصول فی الکافی، تصحیح و تحقیقعلی اکبر غفاری، بیروت، دار المعارف، (بی تا)، ج ۱، ص ۶۰۱/ مرتضی عسکری، القرآن الکریم وروایات المدرستین، المجمع العلمی الاسلامی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۲۱۳/ محمد حسین علی الصغیر، المستشرقون والدراسات القرآنیه، مرکز النشر مکتب الاعلام، چاپ دوم، ۱۴۱۳ق، ص ۸۵/ محمد باقر حکیم، علوم القرآن، تهران، المجمع العلمی الاسلامی، ۱۳۶۲ش، ص ۲۲۷/ محمود رامیار، تاریخ قرآن، انتشارات امیر کبیر، تهران، ۱۳۶۲ش، ص ۲۴۰-۲۴۹/ نورالدین عتق، علوم القرآن الکریم، دمشق، دارالخیر، الطبعه الاولى، ۱۴۱۴ق، ص ۴۲.
- برای بررسی بیشتر در باره آراء مستشرقین در باب جمع قرآن ر.ک به پایان نامه: حیدری، اکبر، نقد و بررسی دیدگاه های مستشرقان در جمع قرآن، دانشگاه فردوسی، تابستان ۱۳۸۷ش.
۶۳. ساسی سالم الحاج، نقد الخطاب الاستشراقی الظاهره الاستشراقیه و اثرها فی الدراسات الاسلامیه، دارالمدار الاسلامی، بیروت، ۲۰۰۲م، ج ۱، ص ۳۱۲/ محمد عبد العظیم زرقانی، مناهل العرفان فی علوم القرآن، قاهره، مصر، دار ابن عفان، ۱۴۲۲ق، ج ۱، ص ۲۴۰.
۶۴. ر.ک: محمد عبد العظیم زرقانی، مناهل العرفان فی علوم القرآن، ج ۱، پیشین، صص ۲۴۰-۲۴۲.
۶۵. همان، ج ۱، ص ۲۴۱.
۶۶. ساسی سالم الحاج، نقد الخطاب الاستشراقی الظاهره الاستشراقیه و اثرها فی الدراسات الاسلامیه، ج ۱، پیشین، ص ۳۴۰.
۶۷. ر.ک: همان، ج ۱، صص ۳۳۹-۳۴۱.
۶۸. ر.ک: محمد هادی معرفت، التمهید فی علوم القرآن، قم، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۸۱-۹۸.
۶۹. ایگناس گلدزیهر، گرایشهای تفسیری در میان مسلمانان، ترجمه ناصر طباطبایی، پیشین، ص ۶۱.
۷۰. ساسی سالم الحاج، نقد الخطاب الاستشراقی الظاهره الاستشراقیه و اثرها فی الدراسات الاسلامیه، ج ۱، ص ۳۴۰.
۷۱. ایگناس گلدزیهر، گرایشهای تفسیری در میان مسلمانان، ترجمه ناصر طباطبایی، پیشین، صص ۲۹-۳۰.
۷۲. ایگناس گلدزیهر، گرایشهای تفسیری در میان مسلمانان، ترجمه ناصر طباطبایی، پیشین، ص ۶۰.
۷۳. همان، ص ۳۳۵.
۷۴. مصطفی حسینی طباطبایی، نقد آثار خاور شناسان، پیشین، ص ۱۰۲.
۷۵. ر.ک: در همین نوشتار، ذیل عنوان روایت سبعة احرف و اضطراب نص قرآن کریم در زمان پیامبر اکرم (پ).